

فصلنامه علمی- پژوهشی ربیافت

سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۸
صفحه ۷۳ تا ۹۴

گستره ولایت فقها در اندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی

ناصر جمالزاده / دانشیار علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)
jamalzadeh@yahoo.com

میلاذ موحدیان / دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) و نویسنده مسئول
milad.movahedian@gmail.com

علی یاسمی / دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)
Aliyasami72@gmail.com

چکیده

موضوع گستره ولایت فقها از دیرباز مورد توجه فقهای امامیه بوده و به‌ویژه با برقراری حکومت ولایت فقیه در دوره جمهوری اسلامی، این سؤال بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق تلاش دارد تا پاسخ این سؤال را از طریق اندیشه و عمل سیاسی یکی از فقیهان تراز اول عصر صفوی که در دوره‌هایی منصب سیاسی نیز داشته، بیابد. سؤال محوری تحقیق عبارت است از «گستره ولایت فقها در اندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی، شامل چه مواردی است؟»، ابتدا همه شئون ولایت عامه فقیه از جمله مرجعیت‌دینی، صلاحیت‌قضائی و زعامت‌سیاسی، و سپس شئون مختلف ولایت خاصه فقیه دسته‌بندی و کدگذاری شد. ارائه این مدل، باعث می‌شود تا سایر پژوهشگران نیز بتوانند با استفاده از همین الگو، اندیشه و عمل سیاسی سایر فقها را ارزیابی نمایند. نتایج نشان می‌دهد: در اندیشه سیاسی محقق کرکی همه اقسام ولایت خاصه، و همچنین از شئون ولایت عامه فقیه، و شأن زعامت سیاسی نیز در محدوده اقامه نماز جمعه و اخذ خراج وجود دارد. در عمل سیاسی محقق کرکی، اعتقاد به حداکثری بودن گستره ولایت فقها در حیطه عمل سیاسی دارد. نوآوری پژوهش در تبیین همه ابعاد اندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی در حوزه گستره اختیارات فقیه با استناد به منابع فقهی دست اول از ایشان است. روش تحقیق در این مقاله، از نوع تحلیل محتوا است.

کلیدواژه: گستره ولایت فقیه، ولایت مطلقه فقیه، محقق کرکی، اندیشه سیاسی محقق کرکی، عمل سیاسی محقق کرکی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری حکومتی که در رأس آن یک فقیه قرار داشت، بحث پیرامون اختیارات فقیه بیش از گذشته مطرح شد. برخی با مقید خواندن ولایت فقیه، اختیارات فقیه را محدود به امور حسبه دانسته و برخی دیگر با مطلق دانستن ولایت فقیه، گستره اختیارات فقیه را فراتر از امور حسبه و متضمن امور سیاسی دانستند. (جوان آراسته، ۱۳۹۲: ۱۹۷-۲۴۵) این اختلاف دیدگاه ها محققان را بر آن داشت تا در باب گستره اختیارات فقیه به تحقیق و پژوهش بپردازند و یکی از بهترین راه‌هایی که پژوهشگران این حوزه را به سمت خود متمایل کرد، بررسی این مسئله از دیدگاه فقهای قبل از انقلاب اسلامی بود تا روشن شود، از دیدگاه فقهای متقدم، فقیه بما هو فقیه چه اختیارات و وظایفی دارد. یکی از فقهای مشهور و مورد اعتنا در طول تاریخ تشیع که نه تنها به بیان نظرات سیاسی پرداخته بلکه رأی در حکومت مشارکت داشته و اعمال قدرت می‌کرده، مرحوم محقق کرکی است که در عصر صفویه می‌زیست. بررسی آراء این فقیه در باب گستره اختیارات فقها میتواند پاسخی برمقیده یا مطلق بودن ولایت فقیه و همچنین تعریف واضحی از معنای مطلقه یا مقیده بودن ولایت فقها باشد. بنابراین سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه «از دیدگاه محقق کرکی، گستره ولایت فقها شامل چه مواردی است؟»

روش پژوهش، تحلیل محتواسست به نحوی که در ابتدا و در بخش چارچوب تحلیلی، انواع مصادیقی را که در کتب ولایت فقیه و حکومت اسلامی در باب اقسام ولایت فقها در امور مختلف بیان شده است، در قالب یک دسته بندی منظم می‌آوریم و با کدگذاری مفاهیم هر قسم از آنها، به سراغ مهم‌ترین آثار فقهی سیاسی مرحوم محقق کرکی می‌رویم تا با مطالعه دقیق آن آثار، فیش‌های مرتبط با گستره ولایت فقها را استخراج نماییم. مرحله بعدی، پالایش و سپس جاگذاری این فیش‌ها در جداول کدگذاری شده است که مشخص می‌کند، محقق کرکی به کدام یک از اقسام ولایت فقها - که در بخش چارچوب مفهومی بیان شد - اعتقاد داشته و به کدام یک از آنها اشاره‌ای نکرده است. با توجه به حجم فیش‌های در برابر هریک از کدها، در نتیجه گیری مشخص خواهد شد که تأکید ایشان بر کدامیک از این اقسام ولایت فقها بیشتر بوده و بر کدامیک تأکید کمتری داشته‌اند.

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش نشان از آن دارد که فقیهان برجسته طول تاریخ تشیع، در کتب فقهی خود، ضمن طرح مباحث مختلف پیرامون ولایت فقیه، به موضوع گستره اختیارات فقیه نیز پرداخته اند. برخی مانند آیت الله منتظری، با طرح نظریه ولایت انتخابی فقیه، محدوده ولایت فقها را متناسب با انتخاب و اختیاری که مردم به فقیه می دهند، قابل تغییر می دانستند (جوان آراسته، ۱۳۹۲: ۲۱۲) ولی از سوی دیگر، اغلب فقهای شیعه قائل به ولایت انتصابی فقیه و به تبع آن، حداکثری بودن گستره ولایت ایشان بوده اند که در میان این دسته، فقهای متقدمی چون شیخ مفید در باب «الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و إقامة الحدود و الجهاد فی الدین» از کتاب المقنعه، (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق: ۸۱۰) و علامه حلی در جلد چهارم کتاب مختلف الشیعه (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۶۴)، به این نکته تصریح داشته اند. در میان فقهای متأخر نیز مرحوم نراقی در عوائد الأیام (نراقی، ۱۴۱۷ق: ۵۳۶) و همچنین علامه نائینی در تبیه الأمه و تنزیه المله و همچنین سایر آثار فقهی خود، به گستره ولایت فقها اشاراتی داشته اند (آملی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۵). از فقهای هم عصر ما نیز مرحوم امام خمینی (ره)، هم در نظر و هم در عمل، در بحث گستره ولایت فقها ورود جدی داشته و در آثار مختلف فقهی کلامی خود به مطلقه بودن اختیارات فقیه اشاره کرده اند (خمینی، ۱۳۹۰: ۵۰).

به غیر از آثار نامبرده، کتب دیگری نیز وجود دارد که تخصصاً به موضوع گستره اختیارات فقیه از دیدگاه فقهای پیشین پرداخته اند و ما به محتوای دو اثر از مهم ترین آنها و تفاوت تحقیق حاضر با آن کتب می پردازیم. کتاب ولایت فقیه در اندیشه فقیهان، اثر دکتر یعقوبعلی برجی دوره اجتهاد در میان فقهای شیعه را به پنج دسته تقسیم کرده و در هر بازه زمانی می کوشد تا به گوشه ای از نظرات مهم ترین فقهای هر دوره در باب ولایت فقیه بپردازد (نک. برجی، ۱۳۸۵). کتاب پیشینه نظریه ولایت فقیه نوشته آقای مصطفی جعفر پیشه فرد نیز با اندکی تفاوت با اثر قبلی، اندیشه ولایت فقیهان را از عصر حضور معصوم علیه السلام آغاز و به بیان برخی از نظرات سیاسی مهم ترین فقهای شیعه در طول تاریخ اجتهاد می پردازد (نک. جعفر پیشه فرد، ۱۳۸۰). اندیشه سیاسی محقق کرکی نیز ضمن همین آثار نامبرده بحث و بررسی شده لکن نقص اصلی آن کتب در این است که بحث تخصصی، تفصیلی و روشمند پیرامون نظر سیاسی محقق کرکی در باب گستره ولایت فقها

صورت نگرفته است، بلکه به صورت گذرا و مصداقی به چند مورد از بیانات فقهی ایشان راجع به اصل ولایت فقیه اشاره داشته اند.

همانطور که مشخص است، هیچ یک از این آثار نه تنها به صورت مجزا به بحث گستره ولایت فقها پرداخته اند بلکه به نشان دادن اینکه قاطبه فقهای طول تاریخ تشیع به ولایت فقیه اعتقاد داشته اند، بسنده نموده اند. بنابراین یکی از جنبه‌های نوآوری این اثر، بررسی دقیق گستره ولایت فقها و دسته بندی مفهومی آن است که به مثابه یک چارچوب مفهومی می‌تواند محققین را نسبت به فهم اندیشه سیاسی دیگر فقهای تاریخ تشیع پیرامون گستره اختیارات فقیه یاری رساند و از سوی دیگر با کاربست این چارچوب در اندیشه و عمل سیاسی مرحوم محقق کرکی، نظر محقق کرکی را که جزو فقهای صاحب نظر و همچنین مؤثر در امر سیاست در دوره خویش بوده است، در باب گستره ولایت فقها نشان می‌دهد. بنابراین به صورت اجمالی، نوآوری این تحقیق در دو چیز است؛ اول ارائه چارچوب تحلیل جهت فهم گستره ولایت فقها در نظریات مختلف و دسته بندی منظم و منسجم آن و دوم کاربست این چارچوب تحلیلی در اندیشه و عمل سیاسی مرحوم محقق کرکی که در این باره نیز به صورت منسجم و متمرکز کمتر کار پژوهشی صورت گرفته است.

زندگی و زمانه محقق کرکی

نورالدین علی بن حسین عبدالعالی، مشهور به محقق ثانی و خاتم المجتهدین، در حدود سال ۸۷۰ هجری در منطقه جبل عامل در کرک نوح متولد شد و در سال ۹۴۰ در گذشت. محقق دوره اصلی تحصیلات خود را در کرک نوح گذراند. از مهم ترین اساتید او بعد از پدر، علی بن هلال جزایری (متوفای ۹۲۸ ق) عالم بزرگ عصر بود که کرکی بسیار به او احترام می‌گذاشت. حوزه‌های شیعی جبل عامل در این زمان تحت تأثیر مکتب فکری شهید اول (شهید در ۷۸۶ ق) قرار داشتند. از ویژگی‌های این مکتب، شیوه اصولی اجتهادی و تأکید بر اختیارات فقیه به عنوان نایب امام است (حسینی زاده، ۱۳۸۰: ۸۲).

در این سال‌ها شاه اسماعیل صفوی تحولی عظیم به وجود آورده بود که سیر تاریخ تشیع را تغییر داد. وی پس از سلطه مقتدرانه بر ایران، مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران اعلام کرده و به شدت بر آن پای می‌فشرد. کرکی که خاطره تلخ مظلومیت‌ها و تلخ کامی‌های جامعه شیعی جبل عامل را با خود داشت، به خوبی از این پیش آمد استقبال کرد، تا این که احتمالاً در سفر فتح عراق در سال ۹۱۴ بود که شاه اسماعیل، کرکی و

علمای دیگر را برای تبلیغ تشیع به ایران فرا خواند. دو سال بعد محقق بزرگ شیعی دعوت شاه اسماعیل را اجابت کرد و به ایران سفر نمود. مهم‌ترین کار کرکی در ایران تقویت پایه‌های نظری تشیع و نیز ایجاد حوزه‌های علمی به خصوص در شهرهای اصفهان، قزوین و کاشان و تربیت شاگردانی بود که علوم دینی را در میان مردم ایران گسترش می‌دادند (حسینی زاده، ۱۳۸۰: ۸۴). درگیری مستقیم او با مسائل سیاسی عصر خود موجب شد تا فقه سیاسی که چندان مورد توجه علمای قبل قرار نمی‌گرفت، حیات تازه‌ای بگیرد.

کرکی برای دومین بار در سال ۹۳۶ وارد ایران می‌شود. فعالیت‌های وی در این دوره بسیار گسترده‌تر از قبل است، میزان قدرت او نیز بسیار افزایش یافته است، او حتی در فعالیت‌های سیاسی با قدرت عمل می‌کند. اما این دوره حضور کرکی نیز چندان به درازا نکشید و وی خسته از خصومت‌ها و دشمنی‌های حاکم بر دربار صفوی در سال ۹۳۹ به نجف بازگشت. شاه طهماسب که خود با تقاضای رفتن او موافقت کرده بود، دوباره درصدد برآمد تا او را بازگرداند. از این رو خود در سال ۹۳۹ از جمیع مناهای توبه کرد و شراب‌خواری را که عادت دربار صفوی بود ترک نمود و کرکی را این‌بار با اختیارات بیشتر و با یک فرمان پر آب و تاب رسمی به ایران دعوت کرد. کرکی درست یک‌سال بعد از این فرمان و ظاهراً در حالی که در تدارک سفر به ایران بود، به دیار باقی شتافت. پدر شیخ بهایی مرگ کرکی را ناشی از مسمومیت می‌داند و معتقد است عده‌ای از بزرگان دولت که از ورود کرکی به ایران متضرر می‌شدند وی را مسموم کردند (حسینی زاده، ۱۳۸۰: ۸۷).

۱. چارچوب تحلیلی

برای فهم دیدگاه محقق کرکی در باب گستره ولایت فقها، لازم است در ابتدا انواع ولایاتی که برای فقها متصور است و در کتب ولایت فقیه بدان پرداخته اند، مورد بررسی قرار گیرد و سپس اقسام ولایات در ذیل یک دسته بندی، کدگذاری شده و براندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی عرضه شود. پژوهشگران این حوزه در تقسیم اقسام ولایت فقها، به طرق مختلفی عمل کرده اند که در زیر می‌آید لکن قبل از هر چیز لازم است مقصود خود را از کلمه ولایت در اینجا معین نماییم. «ولایت» در لغت به معنای آمدن چیزی در پی چیز دیگر است بدون آنکه فاصله‌ای بین آنها باشد؛ از این رو در معانی اصطلاحی مختلفی از جمله «حبّ و دوستی»، «نصرت و یاری»، «متابعت و پیروی» و «سرپرستی» استعمال شده

است که مقصود ما در این تحقیق از ولایت در بحث ولایت فقها اصطلاح اخیر یعنی «سرپرستی» می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

الف: تقسیم ولایت به عامه و خاصه

در ولایت خاصه، اعمال ولایت نسبت به افراد خاصی مطرح است اما در ولایت عامه، ولایت بر عموم افراد جامعه اعمال می‌گردد. در مباحث مربوط به حکومت و ولایت پیامبران، امامان و فقیهان، اغلب منظور از ولایت، ولایت عامه است (جوان آراسته، ۱۳۹۲: ۹۱) چراکه برخی از مصادیق ولایت خاصه مانند ولایت پدر و جدی پدری بر فرزند صغیر یا ولایت اولیای میت و ولایت وارثان مقتول، نسبت به افراد خاصی تعریف می‌شود و برای افراد خاصی نیز جعل ولایت صورت گرفته است و در صورت فقدان فرد معین شده، بر عهده ولی می‌آید. اشکال مهم این تقسیم در دو چیز است؛ اول کلی بودن آن است که اجازه تجزیه و تحلیل دقیقتر را از محقق می‌گیرد و دوم دقیق نبودن آن است چراکه شأن ولایت فقها منحصر در ولایت عامه نیست و برخی از مصادیق ولایت خاصه را مانند ولایت حاکم شرع در صورت فقدان وصی و قیم را نیز می‌تواند شامل شود.

ب: تقسیم ولایت به تکوینی و تشریحی

در این تقسیم بندی ولایت تکوینی به معنای آن ولایتی است که به موجب آن، جمیع موجودات و عالم امکان در برابر ولیّ امر خاضع و خاشعند و اصولاً نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، دارای این مقامات بوده اند (خمینی، ۱۳۹۰: ۵۳). ولایت تشریحی نیز در مقابل ولایت تکوینی، در حوزه جعل و اعتباریات معنا پیدا می‌کند و منظور از آن ولایت در قانون گذاری و تشریح احکام است که شئون و مناصب آن عبارت از مرجعیت و تبلیغ احکام الهی، قضا و داوری میان مردم و رهبری سیاسی و اداره امور جامعه است (مزینانی، ۱۳۹۳: ۶۸). البته آیت الله جوادی آملی شأن حفاظت از دین را نیز در کنار شئون نامبرده اضافه کرده و حفاظت، إفتاء، قضاء و ولاء سیاسی را از وظایف فقها قلمداد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴۲) که البته به نظر می‌رسد نتیجه اعمال ولایت توسط فقها، همان حفاظت از دین باشد و لذا نمی‌شود آن را در عرض سایر شئون و به طور جداگانه به حساب آورد.

اگرچه این نوع تقسیم، مشهورترین و پرتکرارترین تقسیم در کتب مربوط به ولایت فقیه است و اشکال اول وارد به تقسیم قبلی را ندارد لکن اشکال دوم هنوز باقی است و این

تقسیم نیز پاسخگوی آن دسته از ولایات خاصه‌ای را که می‌تواند جزو شئون ولایت فقها باشد، پوشش نمی‌دهد و از این حیث دچار ضعف است. نکته دیگر قابل ذکر آن است که اساساً بحث پیرامون ولایت تکوینی فقها مورد نظر ما در این تحقیق نمی‌باشد چراکه این شأن مخصوص انبیاء الهی و امامان معصوم علیهم السلام و اولیای خاص خداوند است و تشخیص آن در حیطه علم ما نبوده و لذا از ابتدا آن را از دایره بحث خود بیرون می‌کنیم.

ج: بیان اقسام ولایت بدون تقسیم بندی مشخص

دسته سوم از کتبی که به بیان اقسام ولایت پرداخته‌اند، آن را بدون تقسیم بندی و به صورت انواع ولایت فارغ از عامه یا خاصه بودن یا تکوینی و تشریعی بودن، ذکر کرده‌اند. حسب استقراء محققان از کتب فقهی مختلف، کلیه اقسام ولایت ۱۵ نوع است که عبارتند از: ولایت بر تجهیز میت، ولایت بر فرایض عبادی میت، ولایت بر برده، ولایت بر دارایی کودک نابالغ، ولایت بر همسر، ولایت بر بالغه رشیده، ولایت وصایت، ولایت قیمومیت، ولایت حضانت، ولایت قصاص، ولایت کودک سر راهی، ولایت اوقاف، ولایت قضاوت؛ ولایت در امور حسبه و ولایت سیاسی (جعفر پیشه فرد، ۱۳۸۱: ۳۰).

اشکال این تقسیم بندی، پراکندگی و عدم دسته بندی منسجم است و از آنجا که خاصه و عامه بودن یا تشریعی و تکوینی بودن آن مشخص نیست، ممکن است محقق را دچار اشکال کند. حال با بیان سه نوع تقسیم رایج پیرامون گستره ولایت فقها، تقسیم بندی مختار خود را ارائه خواهیم داد تا در مرحله بعد، محقق با کدگذاری هر یک از اقسام ولایات فقها، بتواند به بررسی گستره ولایت فقها در اندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی بپردازد.

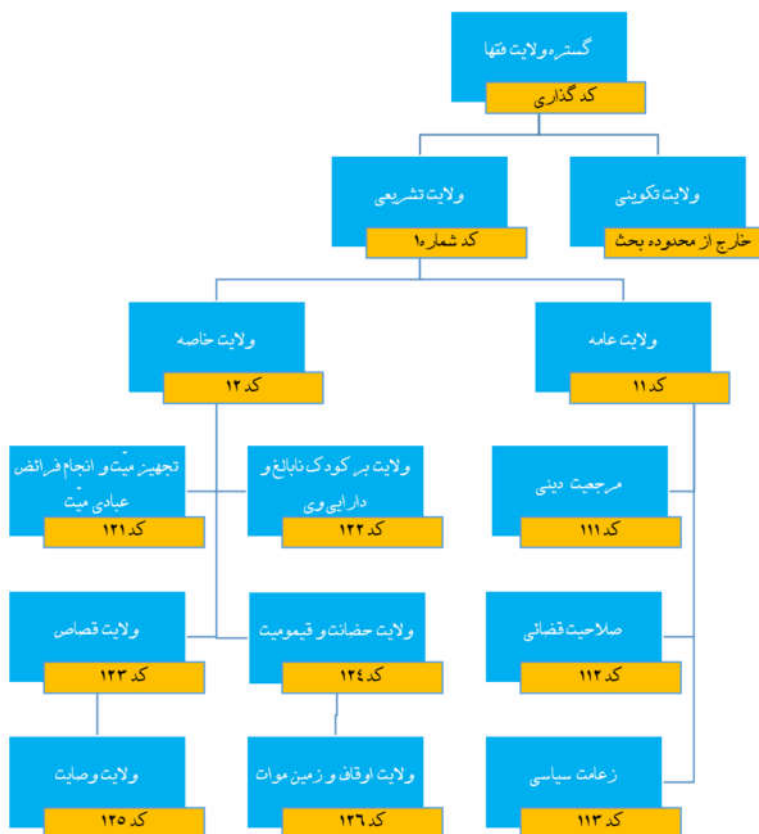
د: تقسیم بندی مختار تحقیق

بررسی‌های انجام شده نشان از آن دارد که ولایت دارای ۴ رکن اساسی است که عبارتند از جاعل ولایت (خداوند متعال)، فاعل ولایت (شخص وکی)، مفعول ولایت (موکی علیه) و قلمرو ولایت (که انواع آن در سه تقسیم بندی نامبرده گذشت). حسب نص قرآن کریم که می‌فرماید «الله هو الولی؛ سوره شوری، آیه ۹» جاعل ولایت خداوند متعال است و از آنجا که سوال اصلی تحقیق «گستره ولایت فقهاست»، در رکن دوم نیز پیش فرض محقق ولایت داشتن فقهاست و بحث اصلی ما بر روی قلمرو این ولایت می‌باشد، بنابراین رکن اول و دوم را فرو گذاشته و بر روی رکن سوم و چهارم ولایت یعنی گستره ولایت فقها که مورد بحث ماست تمرکز می‌کنیم.



شکل شماره ۱: ارکان چهارگانه ولایت

چنانکه با مرور تقسیم بندی‌های سه گانه و ارکان چهارگانه ولایت مشخص می‌شود، تقسیم بندی نوع الف (ولایت عامه و خاصه) معادل رکن سوم از ارکان ولایت است؛ یعنی ولایت عامه ولایتی است که همه مردم و در یک کلمه «جامعه» را شامل می‌شود ولی ولایت خاصه ولایتی است مخصوص افراد محدود و معین شده است. از تقسیم بندی نوع ب (ولایت تکوینی و تشریحی) نیز تنها ولایت تشریحی و اقسام ۳ گانه آن باقی می‌ماند چراکه ولایت تکوینی از دایره بحث ما خارج است. لذا در یک جمع بندی می‌توان مبنای تقسیم گستره ولایت فقها را از ولایت تشریحی ایشان آغاز کرد و آن را به دو دسته ولایت عامه و خاصه تقسیم نمود. سپس انواع ولایات نامبرده در تقسیم نوع ج را در ذیل یکی از این دو عنوان قرار داد. باید توجه داشت که برخی از اقسام ولایت که در تقسیم بندی نوع ج بدان اشاره شد، متوکی خاص خود را دارد مانند ولایت پدر بر فرزند ولی در مواقعی که آن متوکی خاص از انجام وظیفه سرباز زند یا به هر دلیلی حضور نداشته باشد، اعمال ولایت بر عهده فقیه می‌باشد و لذا است که این موارد را در عین تعیین متولی خاص از سوی شارع مقدس، ذیل ولایت خاصه فقیه قرار می‌دهیم. بدین صورت یک تقسیم بندی جامع که پوشش دهنده تقسیم‌های سه گانه و ارکان سوم و چهارم ولایت است، به دست می‌آید. شکل شماره ۲، انواع ولایات متصور برای فقیه را در یک دسته بندی جامع نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۲: کدگذاری اقسام ولایت فقها

۲. گستره ولایت فقها در اندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی

حال با ارائه تقسیم بندی جامع از اقسام قابل تصور برای تعیین گستره ولایت فقها و کدگذاری هریک از این اقسام، می توان در اندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی به مطالعه و تحقیق پراخت تا روشن شود، ایشان به کدام یک از این اقسام نامبرده، معتقد بوده و کدام یک را از حیطه ولایت فقها خارج می دانستند.

۲.۱. قلمرو ولایت فقها در اندیشه سیاسی محقق کرکی

جهت فهم اندیشه سیاسی محقق کرکی در باب گستره اختیارات فقیه، به مهم ترین آثار فقهی ایشان که عبارتند از کتاب رسائل (کرکی، ۱۴۰۹) و جامع المقاصد فی شرح القواعد (کرکی، ۱۴۰۸)، مراجعه کردیم. در ضمن مطالعه عمیق آثار نامبرده، فیش برداری های

مرتبط با نظرات سیاسی ایشان در باب گستره ولایت فقها صورت گرفت که در اینجا در قالب جداول تحلیل محتوا آورده ایم. لازم به ذکر است که جهت جلوگیری از تکرار نام کتب، کتاب الرسائل را با علامت اختصاری R و کتاب جامع المقاصد را با علامت اختصاری G آورده ایم و عدد بعد از این حروف اختصار نشانگر شماره جلد کتاب و عدد پس از دو نقطه (:) نشانه شماره صفحه می‌باشد. برای مثال علامت اختصاری R2:33 به معنای صفحه ۳۳ از جلد دوم کتاب الرسائل محقق کرکی است. لازم به ذکر است فیش‌های جداول ۱ و ۲ از بین حدوداً ۱۰۰ فیش گزینش شده و سعی شده از تکرار پرهیز شود و تنها به ذکر بهترین مصادیق، اکتفا شود.

۲،۱،۱. اقسام ولایت عامه فقها در اندیشه سیاسی محقق کرکی

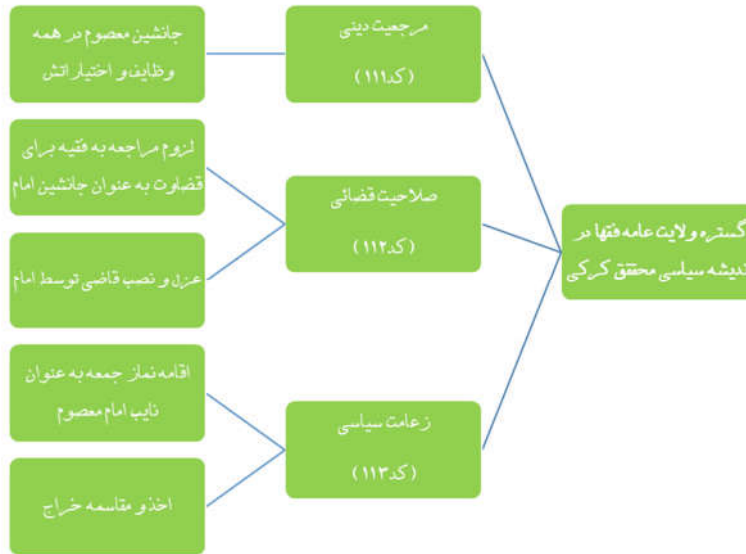
چنانکه در بخش چارچوب تحلیلی گذشت، اقسام ولایت عامه فقها عبارتند از مرجعیت دینی (کد ۱۱۱)، صلاحیت قضائی (کد ۱۱۲) و زعامت سیاسی (کد ۱۱۳). اکنون با نظر به اندیشه سیاسی محقق کرکی، مصادیقی از بیانات ایشان ناظر به شئون نامبرده را در جدول شماره ۱ آورده و آن را تحلیل می‌نماییم. لازم به ذکر است که کلمه «حاکم» در بیانات فقهی محقق کرکی پر تکرار است و حسب بررسی‌های انجام شده و یکی از عبارات فقهی ایشان در جلد دوم کتاب جامع المقاصد که می‌فرمایند: «... فقیه منصوب از جانب ائمه معصوم علیهم السلام حاکم است.» (کرکی، ۱۴۰۸: ۳۷۵)، ایشان این کلمه را در معنای عام به کار می‌بردند و مرادشان همان فقیه منصوب از سوی امام معصوم علیه السلام بوده است.

جدول شماره ۱: شئون ولایت عامه فقیه در اندیشه سیاسی محقق کرکی

کد	دلالت	مضمون	منبع	فیش
۱۱۱	مرجعیت دینی	ولایت در امور شرعی	R1:152	فقیه منصوب از طرف امام معصوم علیه السلام است و از طرف ایشان، در همه امور شرعی ولایت دارد.
		نیابت فقیه از امام عصر (عج)	G4:44	اگر مجتهدی به انگیزه اصلاح حکومت وارد حکومت جور شد، او در واقع به نیابت از امام زمان (عج)، اجرای حکم میکنند نه به دستور سلطان و یا به نیابت از او.
۱۱۲	صلاحیت قضائی	قضاوت	R1:142	فقیه عادل ۱۲ امامی جامع شرایط، در زمان غیبت، نائب ائمه معصومین علیهم السلام در

کد	دلالت	مضمون	منبع	فیش
				همه امور و وظایف ایشان است؛ پس واجب است که قضاوت به نزد وی برند و به حکمش گردن نهند و بر اوست ولایت اموال اطفال بی سرپرست و سفهاء و مدیریت امور محجورین.
		عزل قاضی	G11:277	امام می تواند قاضی فاسق را عزل نماید.
		قضاوت بین اهل ذمه	G12:397	در صورت مراجعه اهل ذمه جهت تحاکم، امام می تواند درخواست ایشان را بپذیرد یا رد کند.
		قضاوت		واجب است که امام عادل که امام معصوم علیه السلام یا جانشین اوست، نماز جمعه را برپا کند، همچنان که در قضاوت نیز چنین است و باید امر قضاوت بر عهده امام معصوم یا نایبش باشد.
۱۱۳	زعامت سیاسی	اقامه نماز جمعه	G2:371	اقامه نماز جمعه بر عهده امام عادل یا جانشین اوست که همان فقیه جامع الشرایط است.
		اقامه نماز جمعه	R1:129	در زمان حضور غیبت امام معصوم علیه السلام، اخذ خراج و تشخیص محل خراج آن با فقیه است.
		اخذ و مقاسمه خراج	R1:270	

جدول شماره ۱، نشان از آن دارد که محقق کرکی، هر سه شأن مرجعیت دینی، صلاحیت قضائی و همچنین زعامت سیاسی را در محدوده اقامه نماز جمعه و اخذ خراج، برای فقیه قائل بوده است. لازم به ذکر است فیش های موجود در جدول شماره ۱، بخشی از فیش های پرتکرار مربوط به اقامه نماز جمعه و اخذ خراج بوده اند و از ذکر موارد مشابه پرهیز شده است. شکل شماره ۳، نمایانگر قلمرو ولایت عامه فقها در اندیشه سیاسی محقق است.



شکل شماره ۳: گستره ولایت عامه فقها در اندیشه سیاسی محقق کرکی

۲،۱،۲. اقسام ولایت خاصه فقها در اندیشه سیاسی محقق کرکی

چنانکه در بخش چارچوب تحلیلی گذشت، اقسام ولایت خاصه فقها عبارتند از ولایت بر تجهیز میت و انجام فرائض عبادی او (کد ۱۲۱)، ولایت بر کودک نابالغ و دارایی های او (کد ۱۲۲)، ولایت قصاص (کد ۱۲۳)، ولایت حضانت و قیمومیت (کد ۱۲۴)، ولایت وصایت (کد ۱۲۵) و ولایت بر اوقاف و زمین موات (کد ۱۲۶). اکنون با نظر به اندیشه سیاسی محقق کرکی، مصادیقی از بیانات ایشان ناظر به شئون نامبرده را در جدول شماره ۲ آورده و آن را تحلیل می‌نماییم.

جدول شماره ۲: شئون ولایت خاصه فقیه در اندیشه سیاسی محقق کرکی

کد	دلالت	مضمون	منبع	فیش
۱۲۱	ولایت بر تجهیز میت	ولایت بر تجهیز میت	R1:93	اقامه نماز میت واجب کفایی است و در اینجا اولویت با وارثان است اما اگر نباشند بر عهده حاکم است که نماز را اقامه کند.
		اقامه نماز میت	G1:410	اقامه نماز میت در صورت امتناع ولی میت، بر عهده حاکم است.

کد	دلالیت	مضمون	منبع	فیش
۱۲۲	ولایت بر کودک نابالغ و دارایی‌های او	ولایت بر کودک بی سرپرست و سفیه و اموال ایشان	R1:142	فقیه عادل ۱۲ امامی جامع الشرایط، در زمان غیبت، نائب ائمه معصومین علیهم السلام در همه امور و وظایف ایشان است؛ پس واجب است که قضاوت به نزد وی برند و به حکمش گردن نهند و بر اوست ولایت اموال اطفال و سفهاء و مدیریت امور محجورین
		ولایت بر کودک و مجنون	G4:85	حاکم یا امین او بر کودک و مجنون در صورت فقدان پدر و جد، ولایت دارند.
۱۲۳	ولایت قصاص	ولایت در اجرای حدود	G3:488	اقامه حدود و تعزیز در عصر غیبت، با فقیه جامع الشرائط است.
۱۲۴	ولایت حضانت	حضانت یتیم	G11:276	اگر وصی کودک فرد فاسقی باشد، حاکم وی را عزل کرده و فرد دیگری حضانت کودک را بر عهده می‌گیرد.
		ولایت قیمومیت	تعیین قیم	G8:201
۱۲۵	ولایت وصایت	وارث اموال فرد بدون ولی	G3:479	اگر در جنگ افرادی کشته شوند که وارث ندارند، اموال ایشان از آن امام است.
۱۲۶	ولایت بر زمین موات	ولایت بر زمین موات	R1:239	اگر زمین موات باشد و ملک فرد مسلمانی نباشد، ولایت آن با امام مسلمین است و می‌تواند از آن زمین استفاده نماید.
		ولایت در بازپس‌گیری زمین	G7:29	اگر کسی در احیای زمین اهمال کند، امام می‌تواند زمین را از وی پس بگیرد.
	ولایت بر موقوفات	فروش وقف	G4:97	در صورت عدم وجود ناظر خاص، حاکم مجاز است زمین وقفی را به فروش برساند.

جدول شماره ۲، نشان از آن دارد که محقق کرکی به همه عناوین ولایت خاصه فقها در کتب فقهی خود اشاره داشته و می‌توان گفت همه شئون ولایت خاصه را جزو اختیارات فقیه جامع الشرایط تلقی می‌کرده است. البته بررسی عمل سیاسی ایشان در بخش بعدی می‌تواند پاسخ سؤال تحقیق را روشن تر نماید. در شکل شماره ۴، قلمرو ولایت خاصه فقها در اندیشه سیاسی محقق کرکی به تصویر آمده است.



شکل شماره ۴: گستره ولایت خاصه فقها در اندیشه سیاسی محقق کرکی

۲.۲. قلمرو ولایت فقها در عمل سیاسی محقق کرکی

محقق کرکی در دوره‌ای از زندگانی خود، در مناصب مهم سیاسی دولت صفوی، قرار گرفت و از سوی شاه تهماسب با لقب «خاتم المجتهدین و نایب المعصومین» خطاب شد و دست به فعالیت‌های گسترده سیاسی اجتماعی در جهت اصلاح وضع موجود زد (درستی، ۱۳۹۱: ۱۴۹). بنابراین بررسی عملکرد سیاسی وی می‌تواند رهنمودی باشد برای فهم دیدگاه فقهی ایشان در باب گستره ولایت فقها چراکه وی در دوران تصدی مسئولیت‌های سیاسی، به نوعی اعمال ولایت می‌کرده و لذا عمل سیاسی وی نیز می‌تواند برای فهم پاسخ پرسش اصلی تحقیق، مفید و مؤثر باشد. لازم به ذکر است مهم‌ترین کتب مرتبط جهت بررسی گستره ولایت فقها مبتنی بر عمل سیاسی محقق کرکی، در جدول شماره ۳ می‌آید.

جدول شماره ۳: کتب مورد ارجاع در بخش عمل سیاسی محقق کرکی

کد منبع	نام کتاب	نویسنده
K1	قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج- رساله خراجیه	محقق کرکی
K2	کتاب اندیشه سیاسی محقق کرکی	محمدعلی حسینی زاده
K3	چالش سیاست دینی و نظم سلطانی	نجف لک زایی
K4	ولایت فقیه در اندیشه فقیهان	یعقوبعلی برجی
K5	نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی	رسول جعفریان

۲,۲,۱. اقسام ولایت عامه فقها در عمل سیاسی محقق کرکی

از آنجا که محقق کرکی در زمان حضور در ایران، در مهم‌ترین پست دینی سیاسی حکومت صفویه قرار می‌گیرد، می‌توان نشانه‌هایی از عملکرد وی مبنی مرجعیت دینی (کد ۱۱۲)، تصدی منصب قضایی (کد ۱۱۳) و حتی اقدام به امور سیاسی (کد ۱۱۴) را که از شئون مختلف ولایت عامه فقها می‌باشند، در سیره سیاسی ایشان، استخراج نمود. با جستجوی محتوایی این موارد در کتب نامبرده در جدول شماره ۳، برخی از مهم‌ترین مصادیق گستره ولایت فقیه در عمل سیاسی محقق کرکی، در جدول شماره ۴ می‌آید.

جدول شماره ۴: شئون ولایت عامه فقیه در عمل سیاسی محقق کرکی

کد	دلالت	مضمون	منبع	فیش
۱۱۱	مرجعیت دینی	تأسیس حوزه‌های علمیه	K3:116	از فعالیت‌های اصلاحی محقق کرکی تأسیس و راه اندازی مدارس علمی و رونق دادن به حوزه‌های علمیه برخی از نواحی و تربیت بیش از ۴۰۰ عالم دینی است.
		تعیین امام جماعت	K3:116	به دستور محقق کرکی، در هر شهر و روستایی، امامی برای برپایی نماز و تعلیم احکام دینی، تعیین گردید.
		نظارت بر امور شرعی	K3:260	کرکی در دوره شاه اسماعیل، به بسیاری از شهرهای ایران سفر کرد و بر کارهای شرعی نظارت می‌نمود و به تدریس نیز اشتغال داشت.
		تعیین قبله	K4:143	در بسیاری از شهرهای ایران، قبله را مطابق آنچه که از کتاب‌های هیئت دانسته بود، تصحیح کرد.
		ترویج فضائل و جلوگیری از نشر رذائل	K3:117	وی در جلوگیری از فحشاء و منکرات و ریشه کن کردن اعمال نامشروع مانند شراب خوری، قمار بازی، ترویج فرائض دینی و محافظت از اوقات نماز جمعه و جماعات و بیان احکام نماز و روزه، تفقد از علما و دانشمندان، رواج اذان در شهرهای ایران و قلع و قمع مفسدین و ستمگران، مساعی جمیله و مراقبت‌های سختی به عمل آورد.
تغذیه فکری دولت	K4:144	محقق کرکی با منطق قوی و حاضر جوابی ویژه خود، در خنثی سازی تبلیغات مخالفان تشیع		

کد	دلالت	مضمون	منبع	فیش
		صفوی		اثنا عشری و جنگ روانی ترکان عثمانی علیه صفویه نقش مهمی داشت.
		نگارش رساله های علمی	K5:224	محقق کرکی، بسان چند مسئله مهم دیگر مانند نماز جمعه و خراج، نخستین رساله مستقل را در باب لزوم تقلید از مجتهد زنده به نگارش در آورد.
		تبلیغ دین		تلاش فراوانی به منظور تبلیغ و ترویج شرع، مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی، اجرای حدود و تعزیرات و احکام اسلامی، پیاداشتن واجبات خصوصاً نماز جمعه، مواظبت بر وضعیت مالی و غیر مالی ائمه جماعات و مؤذنان و دفع شر مفسدان و ستمگران انجام داد.
۱۱۲	صلاحیت قضائی	اجرای حدود و تعزیرات	K4:143	
۱۱۳	زعامت سیاسی	قانون گذاری و دستور به حاکمان	K3:117	محقق کرکی فرامین و دستورهایی را به حکام و زمامداران نواحی کشور ارسال می داشت که متضمن قوانین عدل و کیفیت سلوک حکام با مردم و راجع به اخذ مالیات و مقدار آن است.
		دستور به حاکمان محلی	K4:143	کرکی دستورالعمل هایی به حکام و عمال تحت فرمان صفوی صادر کرد و همه آنان را به رعایت عدالت و اجرای دقیق احکام شرع فرمان داد.
		اخذ مالیات و خراج	K4:143	چگونگی، مقدار و مدت زمان جمع آوری خراج و دیگر حقوق شرعی را معین کرد.
		عزل و نصب در منصب صدارت	K5:194	زمانی که محقق کرکی زمینه عزل امیر غیاث الدین منصور را فراهم کرد، به شاه تهماسب توصیه کرد تا امیر معزالدین اصفهانی را که از شاگردان خودش بود، به صدارت برگزیند.
		اقامه نماز جمعه	K5:212	توجه عالم برجسته ای مانند محقق کرکی به مسئله نماز جمعه سبب شد تا زمینه اقامه آن در ایران فراهم گردد.
۱۱۳	زعامت	اخذ خراج و مالیات	K1:75	به باور محقق کرکی، حکم خراج در زمان غیبت روشن است چراکه مصارف این قبیل پولها، عصر حضور و غیبت نمی شنا سد. حق

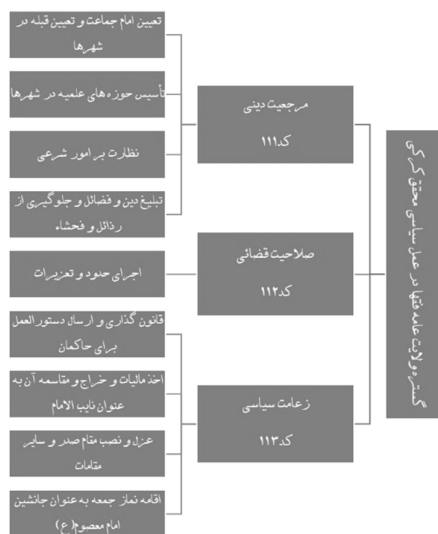
کد	دلالت	مضمون	منبع	فیش
۱۱۳	سیاسی			خراج برای امام همیشه باقی است، همچنان که محقق همچنین وجود دارد.
		مأذون بودن نایب عام امام برای اخذ خراج	K1:57	هر آنچه از این قبیل اراضی در اختیار شیعه است، برای آن حلال است؛ چرا که ائمه علیهم السلام در عصر غیبت آن‌ها را برای شیعیان خود حلال کرده‌اند. البته برای سنیان حلال نیست؛ گرچه گرفتن این زمین‌ها از آنان نیز جایز نیست؛ بلکه موکول به نظر امام است که فعلا غایب است. پس به همین صورت باقی می‌ماند. در این باره، یک مسئله آن است که آیا کسی که صلاحیت نیابت در عصر غیبت را دارد، می‌تواند از زمین انفال که در اختیار دیگران است، خراج بگیرد؟ محقق در پاسخ می‌نویسد: اگر ثابت شود که او نیابت عامه دارد، احتمال می‌رود که بتواند.
		جواز اخذ خراج در زمان غیبت	K5:233	حکم خراج در زمان غیبت نیز روشن است؛ چرا که به هر حال، مصارف این قبیل پولها، عصر غیبت و حضور نمی‌شناسد. حق خراج برای امام همیشه باقی است؛ همچنان که مستحق همیشه وجود دارد. به علاوه که روایات فراوانی در باره جواز مصرف اراضی خراج توسط شیعه وجود دارد؛ حتی اگر اصل آن به دست سلطان جائز باشد. این همان چیزی است که باید تحت عنوان واقف‌گرایی محقق کرکی به آن توجه داشت. با این حال، و به رغم این روشنی، لازم است تا تردیدها از میان برده شود. محقق می‌افزاید، به جز اینها، اگر بحث نیابت از امام معصوم (ع) در حال غیبت را نیز ضمیمه کنیم، همه اوهام و تردیدها از میان می‌رود.
جواز اخذ خراج توسط فقها	K1:89	مال خراج از جمله اموال شبهه‌ناک نیست که پرهیز از آن لازم باشد؛ چرا که ائمه استفاده از این اموال را برای شیعیان خود حلال کرده‌اند؛		

کد	دلالت	مضمون	منبع	فیش
	زعامت سیاسی			بـویژه زمانی که ولی فقیه که نایب امام در عصر غیبت است، ناظر بر آن باشد که طبعا مشروعیت آن را مؤکد می کند.
		جایگاه سیاسی محقق کرکی	K2:71	هنگامی که محقق کرکی وارد قزوین شد، شاه خطاب به وی گفت: شما امروز نایب امام و شایسته تر به مقام سلطنت هستید و من یکی از کارگزاران شمایم که اوامر و نواهی شما را به مرحله اجرا می گذارم.
		اختیارات وسیع کرکی از سوی شاه طهماسب	K2:73	شاه دستور می دهد که اکابر و سادات عظام و اشراف و امرا و وزرا و سایر ارکان دولتی، کرکی را مقتدا و پیشوای خود دانسته و در جمیع امور از وی اطاعت کنند و آنچه امر نماید مأمور و آنچه نهی نماید، منهی بوده است. هرکس را از متصلدیان امور شرعیه ممالک محروسه و عساکر منصوره عزل نماید، معزول و هرکس را نصب نماید منصوب دانسته و در عزل و نصب ها به سند دیگری احتیاج ندانند و هرکس را عزل نماید، مادام که از جانب ایشان دوباره منصوب نشود، نصب ننمایند.

تحلیل جدول شماره ۴ نشان از آن دارد که از بین سه شأن مرجعیت دینی، صلاحیت قضائی و زعامت سیاسی که از شئون عامه ولایت فقها به حساب می آیند، بیشترین روایت ها از عمل سیاسی محقق کرکی مربوط به دو بعد مرجعیت دینی و زعامت سیاسی است. بدین صورت که تبلیغ و ترویج فضائل، جلوگیری از منکرات و ردائیل، نظارت بر امور شرعی، تأسیس حوزه های علمیه و ارسال مبلغ و امام جماعت به شهرهای مختلف، از مهم ترین فعالیت های مربوط به شأن مرجعیت دینی محقق کرکی است و در بحث از شأن سیاسی ایشان نیز مهم ترین بخش، اقامه نماز جمعه، اخذ و مقاسمه خراج و جایگاه ویژه محقق کرکی در عزل و نصب و قانون گذاری است.

نکته مهم آنکه، عدم تصریح ایشان به زعامت سیاسی مطلقه فقیه (یعنی تشکیل حکومت توسط فقیه)، در هر دو بخش نظر و عمل سیاسی را می توان به دو شکل تحلیل کرد؛ اول آنکه آن را ناشی از عدم اعتقاد ایشان به این حد از ولایت برای فقیه بدانیم یا اینکه شرایط

نامناسب سیاسی اجتماعی آن عصر برای طرح این موضوع را به عنوان علت اصلی تلقی کنیم. از نگاه محققان، عمل سیاسی فراگیر محقق در عرصه سیاسی که حتی شامل عزل و نصب والیان و مسئولان رده بالای حکومتی نیز بوده است (رک. جدول شماره ۴) نشان از آن دارد که وی تا حد امکان، از خود عمل سیاسی بروز داده است و اگر به مسئله تشکیل حکومت توسط فقیه متعرض نشده است، نه به علت عدم اعتقاد وی که به دلیل مساعدنبودن شرایط سیاسی اجتماعی عصر صفوی است چراکه اگر محقق کرکی به این موضوع اعتقاد نداشت، مشارکت حداکثری ایشان در امور خرد و کلان سیاسی توجیه چندانی نمی یافت. بنابراین از دیدگاه پژوهشگران، علت عدم تصریح محقق به همه جوانب زعامت سیاسی فقیه و به ویژه تشکیل حکومت توسط فقیه، نشان از مساعدنبودن شرایط دارد. در شکل شماره ۵، قلمرو ولایت عامه فقها در عمل سیاسی ایشان نشان داده شده است. شکل شماره ۵: گستره ولایت عامه فقها در عمل سیاسی محقق کرکی



۲،۲،۲. اقسام ولایت خاصه فقها در عمل سیاسی محقق کرکی

نگارندگان با تحلیل محتوای کتب نامبرده در جدول شماره ۳، به این نتیجه رسیدند که پژوهشگران در باب بررسی فعالیت های سیاسی محقق کرکی، کمتر به ذکر ایفای نقش محقق کرکی در حیطه ولایت خاصه فقیه پرداخته اند. به نظر می رسد علت اصلی این موضوع، پرننگ بودن نقش محقق کرکی در جایگاه های مهم سیاسی اجتماعی عصر خویش است که نویسندگان و پژوهشگران را از توجه به این جنبه از زندگانی وی غافل

کرده است. احتمال دیگر آن است که محقق کرکی به علت مشغولیت‌های کلان در حوزه مرجعیت دینی و زعامت سیاسی، کمتر فرصت پرداخت به امور جزئی مربوط به حیطه ولایت خاصه فقیه را پیدا کرده است و لذا پژوهشگران نیز یافته‌های تاریخی کمتری نسبت به فعالیت‌های ایشان در حوزه ولایت عامه فقها دارند. در هر صورت، نتیجه تحقیق نشان از آن دارد که اگرچه محقق کرکی در کتب فقهی خود به همه مصادیق مربوط به ابعاد ولایت خاصه فقیه اشاره داشته اما در عمل سیاسی ایشان بروز و ظهور نداشته است.

جمع بندی و نتیجه گیری

ما در این تحقیق بر آن شدیم تا این سؤال اساسی را در اندیشه و عمل سیاسی مرحوم محقق کرکی که به عنوان فقیهی علی الاطلاق، خود در جایگاه سیاسی دولت صفویه نیز حضور داشت، پاسخ این سؤال را بیابیم. بنابراین در ابتدا اقسام ولایت فقها را در دسته بندی‌های سه گانه «عامه و خاصه»، «تکوینی و تشریحی» و «اقسام ۱۵ گانه ولایت»، بررسی کرده و اشکالات هریک از این دسته بندی‌ها را ذکر نمودیم و سپس دسته بندی مختار خود را ارائه دادیم. در دسته بندی مختار ما قلمرو ولایت فقها ذیل دو دسته کلی ولایت عامه فقیه با زیرمجموعه «مرجعیت دینی»، «صلاحیت قضائی» و «زعامت سیاسی»، و ولایت خاصه فقیه با زیرمجموعه «ولایت بر تجهیز میت و انجام فرائض عبادی او»، «ولایت بر کودک نابالغ و دارایی‌های او»، «ولایت قصاص»، «ولایت حضانت و قیمومیت»، «ولایت وصایت» و «ولایت بر اوقاف و زمین موات»، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مرحله بعدی تحقیق کد گذاری اقسام ولایت نامبرده و جستجوی این کدها در آثار مکتوب به جای مانده از مرحوم محقق کرکی و همچنین آثار پژوهشگران مطرح در باب اندیشه و عمل سیاسی ایشان بود که پس از بررسی انجام شده به نتایج زیر رسیدیم:

۱. گستره ولایت عامه فقها در اندیشه سیاسی محقق کرکی، مشتمل بر مرجعیت دینی با محوریت جانشینی معصوم در همه امور و اختیارات و وظایف، صلاحیت قضائی با تأکید بر لزوم مراجعه به فقیه برای امر قضاوت و اختیار امام بر عزل و نصب قاضی، و زعامت سیاسی در محدوده اقامه نماز جمعه و اخذ و مقاسمه خراج بود.

۲. گستره ولایت خاصه فقها در اندیشه سیاسی محقق کرکی، همه اقسام ۶ گانه این ولایت اعم از ولایت بر تجهیز میت، کودک نابالغ و دارایی‌های او، قصاص، حضانت و قیمومیت، وصایت و اوقاف و زمین‌های موات را شامل می‌شود.

۳. گستره ولایت عامه فقها در عمل سیاسی محقق کرکی، شامل مرجعیت دینی با محوریت تعیین امام جماعت و تعیین قبله در شهرها، تأسیس حوزه‌های علوم دینی در شهرهای مختلف ایران، نظارت بر امور شرعی، تبلیغ دین و ترویج فضائل و جلوگیری از فحشاء و رذائل اجتماعی، صلاحیت قضائی با تأکید بر اجرای حدود و تعزیرات، و زعامت سیاسی در محدوده قانون گذاری، ابلاغ دستورالعمل به حاکمان، اخذ و مقاسمه مالیات و خراج، عزل و نصب مقام صدر و سایر مقامات و اقامه نماز جمعه است.

۴. در باب گستره ولایت خاصه فقها در عمل سیاسی محقق کرکی، پژوهشگران نتوانستند به یافته تاریخی دست یابند که علت آن دو چیز می‌تواند باشد؛ اول اشتغال محقق کرکی به امور کلان سیاسی اجتماعی و در نتیجه توجه کمتر ایشان به شئون ولایت خاصه و دوم توجه کمتر تاریخ پژوهان به این بعد از زندگانی محقق کرکی به علت پرننگ بودن شأن سیاسی اجتماعی وی در دوره حکومت صفویه.

با توجه به اینکه محقق کرکی در آثار خود به صورت مصداقی از همه ابعاد ولایت خاصه یاد کرده، میتوان گفت در اندیشه سیاسی ایشان، گستره ولایت خاصه فقها شامل همه شئون نامبرده می‌شود. دیدگاه ایشان نسبت به محدوده اختیارات فقیه در باب ولایت عامه نیز نشان از آن دارد که در بحث از شئون مرجعیت دینی و صلاحیت قضائی، اختیارات فقیه را حداکثری، ولی در بحث از زعامت سیاسی، تأکید بیشتر خود را بر روی اقامه نماز جمعه و اخذ خراج و نه بحث تشکیل حکومت از سوی فقیه، گذاشته است که علت آن فراهم نبودن شرایط سیاسی اجتماعی عصر صفوی، برای طرح اینگونه موضوعات تحلیل شد. در قسمت عمل سیاسی نیز تمرکز بیشتر محقق بر مرجعیت دینی علی‌الخصوص مسئله ترویج و تبلیغ اسلام از طریق تأسیس حوزه‌های علمیه و تربیت شاگردان، و همچنین تعیین امام جماعت و قبله در شهرها و ریشه کن کردن فساد و فحشاء بوده و در شأن زعامت سیاسی نیز، اصلاح حاکمان صفوی، اقامه نماز جمعه و دستورالعمل‌های مرتبط با بحث خراج را، بوده است. بنابراین در نتیجه گیری پایانی می‌توان گفت بررسی اندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی، نشان از آن دارد که ایشان گستره ولایت فقها را حداکثری و شامل همه حوزه‌های ولایت خاصه و عامه فقیه می‌داند، هرچند زعامت سیاسی فقیه را به علت شرایط زمانی و مکانی که در مقاله ذکر شد، در محدوده‌های خاصی برای فقها تجویز و خود نیز در همان محدوده به عمل سیاسی اقدام نموده است.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- آملی، محمدتقی (۱۴۱۳ق)، **المکاسب و البیع؛ تقریرات درس آیه الله میرزا محمدحسین نائینی**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- برجی، یعقوبعلی (۱۳۸۵)، **ولایت فقیه در اندیشه فقیهان**. تهران: سمت، چاپ اول.
- جعفر پیشه فرد، مصطفی (۱۳۸۰)، **پیشینه نظریه ولایت فقیه**. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ اول.
- جعفر پیشه فرد، مصطفی (۱۳۸۱)، **چالش های فکری نظریه ولایت فقیه**. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، **نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی**. تهران: نشر علم، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، **ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت**. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهاردهم.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۲)، **مبانی حکومت اسلامی**. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ هشتم.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۱)، **درآمدی بر تحول نظریه دولت در اسلام**. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۰)، «محقق کرکی و دولت صفوی»، **فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم**. دوره بهار، شماره ۱۳.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۰)، **اندیشه سیاسی محقق کرکی**. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
- حلی (علامه حلی)، حسن ابن یوسف (۱۴۱۳ق)، **مختلف الشیعه**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول.
- خجینی، روح الله (۱۳۹۰)، **ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ بیست و سوم.
- درستی، احمد (۱۳۹۱)، **دگرگونی ساخت دولت در ایران پیش مدرن**. تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- کرکی (محقق ثانی)، علی ابن حسین (۱۴۰۸ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**. قم: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث، چاپ اول.
- کرکی (محقق ثانی)، علی ابن حسین (۱۴۰۹ق)، **رسائل التکرکی**. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ اول.
- کرکی (محقق ثانی)، **علی ابن حسین، قاطعه الاجاج فی تحقیق حل الخراج-خراجیه**. نسخه خطی در دانشگاه امام صادق (ع).
- لک زایی، نجف (۱۳۸۶)، **چالش سیاست دینی و نظم سلطانی با تأکید بر اندیشه و عمل سیاسی علمای شیعه در عصر صفویه**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- مزینانی، محمدصادق (۱۳۹۳)، **ولایت فقیه در اندیشه و عمل آخوند خراسانی**. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
- مفید (شیخ مفید)، محمد ابن محمد ابن نعمان (۱۴۱۰ق)، **المقته**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم.
- نراقی، احمد ابن محمد مهدی (۱۴۱۷ق)، **عوائد الأیام**. مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، چاپ اول. ۲۰۱۰